

توزیع ۵۰هزار بسته متبرک

معاون فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه از توزیع ۵۰هزار بسته ازراق تحت عنوان تبرکات علی بین نیازمندان در روز عید غدیرخبر داد. به گزارش فارس، حجت‌الاسلام غلامرضا عادل، معاون فرهنگی و اجتماعی این سازمان اظهارکرد: در دهه ولایت امسال برنامه‌های متنوعی در بقاع متبرکه تدارک دیده شده که باتوجه به شیوع کرونا، بخشی از برنامه‌ها در فضای مجازی اجرا می‌شود.



یادداشت

جشن غدیر به رسم قم

🔴 یارم چو قبح به دست گیرد/ بازار بتان شکست گیرد
از چند روز قبل، جنب و جوش‌ها آغاز می‌شد. خانه‌تکانی، خرید لباس نو و مرتب کردن لباس‌ها برای روز عید، تهیه سور و سات مهمانی و...
این مهمانی برای میزبان، از همه مهمانی‌هایی که در طول سال برگزار می‌شد مهم‌تر و مهمان‌هایش محترم‌تر از تمام دعوت‌شدگان به جشن‌های مختلف بودند. هر خانواده در حد وسعش خود را برای پذیرایی در روز موعود آماده می‌کرد. آنهایی که توان مالی کمتری داشتند با چای و شیرینی و آن‌ها که توانمندتر بودند علاوه بر آن، میوه و آجیل هم تهیه می‌کردند.

گاهی پیش می‌آید که میزبان حوصله یا توان پذیرایی از مهمان را نداشته باشد اما ناگزیر به برگزاری مهمانی باشد. اما در روز عید غدیر همه از ته دل شاد بودند و چشم انتظار تا مهمان‌ها از راه برسند. در مقابل، مهمان‌ها هم مثل اعیاد یا مناسبت‌های دیگر، توقع پذیرایی آنچنانی از میزبان نداشتند و به‌راستی و از صمیم قلب برای دیدن صاحبخانه راهی منزل او می‌شدند و این حس و حال باعث می‌شد که انرژی مثبت بسیار زیادی بین افراد رد و بدل شود و حال خوب، ارمان اصلی روز عید غدیر بود.

اگر روز عید غدیر در کوچه و خیابان‌های قدیم قدم می‌زدید با صحنه منحصر به‌فردی روبه‌رو می‌شدید که ناشی از رسمی بود که از دیرباز در شهر قم مرسوم بوده‌است. در این روز و از اول صبح توی هر محله، در بعضی از خانه‌ها باز می‌شد تا برای ورود به خانه نیازی به اجازه گرفتن نباشد. در‌ها طوری باز بودند که انگار خانه لیختن می‌زند و رهگذران را به درون دعوت می‌کند. صدای خنده، صلوات و مسح ائمه‌اطهار(ع) از داخل خانه‌ای که درش باز بود به گوش می‌رسید بوی شیرینی و سوهان و چای نشان از برپایی برپی پرشور داشت.

بله این خانه‌ها، خانه سادات محل بودند که از اول صبح عید غدیر به روی مهمانان آشنا و غریبه گشوده می‌شدند تا اهل محل یا هرکسی که از آنجا عبور می‌کند، متوجه شود که اینجا خانه سادات است و می‌تواند برای عید دیدنی و پذیرایی و گرفتن عیدی وارد شود.

در این روز لازم نبود شما با اهل خانه‌ای که به آن وارد می‌شوید، آشنا باشید. همین که در خانه‌ای باز باشد نشان‌دهنده این است که خانه سادات است و پذیرای محبان امیرالمومنین.

مهمان‌ها دسته‌دسته وارد می‌شدند. الحمدلله الذی جعلنا من المتمسکین بولایه امیرالمومنین و الائمه علیهم السلام. مهمان و میزبان در حالی که دست در دست هم بودند و با محبتی وصف‌ناشدنی به هم نگاه می‌کردند این جمله را زمزمه کرده و سپس یکدیگر را در آغوش می‌گرفتند. صحنه‌ای که در روز عید غدیر از صبح اول وقت تا بعد ازظهر در خانه سادات یا در کوی و برزن تکرار می‌شد. عده‌ای عقیده داشتند که در روز عید غدیر باید حداقل با هفت سید ملاقات کنند و این کار را جزو رسوم و بسیار با برکت می‌دانستند. پس از دیدنی کردن می‌نشستند و به گپ و گفت و خوردن و نوشیدن مشغول می‌شدند.

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم و منحصر به‌فرد این عید دیدنی‌ها این بود که کسانی که شاید یک‌سال می‌شد یکدیگر را ندیده بودند در این روز به دیدار هم می‌رفتند یا در خانه سادات همدیگر را ملاقات می‌کردند و چه بسیار کدورت‌ها که به‌دلیل چنین برخوردهای غیرمنتظره‌ای، رفع می‌شد.
باخبر شدن از حال آشنایان دور و نزدیک و آشنا شدن با دوستان جدیدی که تا به حال آنها را ندیده و نمی‌شناختی یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این رسم در شهر قم و در روز عید غدیر بود و خلاصه در این روز برای ورود به خانه سادات نه برای ورود از کسی اجازه گرفته می‌شد و نه نیازی به دعوت بود. این‌که در خانه نشسته باشی و ناگهان یک دسته مهمان بدون این‌که نیاز به اجازه باشد وارد شوند و تو حتی آنها را نشناسی اما آنها برای دیدار تو و به خاطر احترامی که برای جدت قائلند به خانه تآمده باشند، لذتی است که با هیچ چیز قابل مقایسه نیست و همه اینها ناشی از علاقه و ارادت مردم ایران به پیامبر و خاندان ایشان است.

مهمان‌ها پس از بگو و بخند فراوان و صرف شیرینی، عیدی خود را از بزرگ خانه می‌گرفتند و می‌بوسیدند و در جیب می‌گذاشتند و عقیده بر این بود که این عیدی را نباید خرج کرد و باید آن را نگه داشت تا برکت جیب و مال باشد. البته معمولاً آشنا‌ت‌ها می‌ماندند و ناهار را در کنار هم و در خانه سادات میل می‌کردند که آن هم به‌دلیل دور از تکلف بودن صفای بسیاری داشت.

روز عید غدیر از دیرباز متفاوت ترین و شادترین روز در شهر قم بوده و هست. این سنت پسندیده یعنی باز بودن در خانه سادات به روی دوستداران پیامبر و خاندانش هنوز هم در شهر قم و شهرهای دیگر ایران رواج دارد و منشأ بسیاری از برکات است.

برگزاری وینار «مهر علوی، ولایت و برادری»

وینار تقریبی «مهر علوی، ولایت و برادری» به همت معاونت ایران مجمع، ساعت ۱۶ تا ۱۸ امروز به نشانی live.taqrib.ir برگزار می‌شود. به گزارش ایسنا، سرتیپ محمدرضا فولادی رئیس سازمان حفظ آثار نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش، مولوی عبدالستار حسین زهی امام جمعه مسجد جامع خاش، آئی جمال قورچایی مدیر حوزه علمیه اهل سنت آزادشهر، آسیه سالاری ومعصومه محمدی از مدرسین حوزه علمیه اهل سنت سیستان و بلوچستان از جمله سخنرانان این وینار خواهند بود.

از مهر علی دلم نخواهد بگسست

چهره‌های به ظاهر غیرمذهبی مانند هوشنگ ابتهاج، نیما یوشیج، سیمین بهبهانی و بهرام بیضایی درباره امیرالمومنین^(ع) چه گفتند؟



عکس: فرهیشتگان / کامیار خطیبی

🔴 به درست یا غلط، انگار راه جهان روشنفکری از فضای دین و مذهب جداست یا دست‌کم، بسیاری از نویسندگان و شاعران و سینماگران و هنرمندان دیگر، باورها و اعتقادات دینی و مذهبی خود را پنهان می‌کنند یا ترجیح می‌دهند در آثار، مصاحبه‌ها، یادداشت‌ها و اظهارنظرها سراغی از آن نگیرند. این امتناع، شکاف و دوری آنها و آثارشان از دین و مذهب و مسائل اعتقادی را تقویت و پررنگ‌تر می‌کند. با این وصف، هر بار به حرف و اظهارنظری در این خصوص برمی‌خوریم، متعجب می‌شویم و برپایمان تازگی دارد اما علقه‌ها و ارادت برخی هنرمندان و جماعت روشنفکر به اهل بیت و بزرگان دین و مذهب، چنان قوی و بارز است که به هرحال خواسته یا ناخواسته در جایی ظهور و بروز می‌کند.

علی رستگار

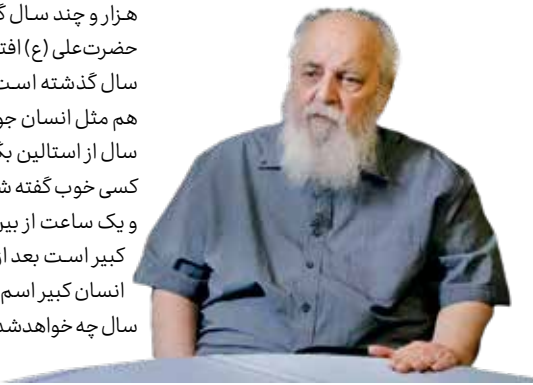
سینما

هوشنگ ابتهاج (ا.ه. سایه) شاعر و پژوهشگر که زمانی همفکر حزب توده بود، در کتاب «پیر پرزیا اندیش» به مذهب بودن مادرش اشاره می‌کند. او در بخشی از صحبت‌هایش می‌گوید: «تو خنواده ما حضرت‌علی‌شان و مقام و ارج و قرب عجیبی داشت. اصلاً مهم‌ترین آدم جهان بود. به استثناء بود. به عشق عجیبی به حضرت علی تو خنواده ما بود..... ما یه نقاشی داشتیم؛ از این شمایل‌های بزرگ که با رنگ و روغن کشیده بودن. حضرت‌علی نشسته و ذوالفقارش رو زانو شه و دستش به قبضه شمشیر بود و لباس قهوه‌ای تنش بود. چهره داشت و ابروهای کمانی و پیوسته و ریش سیاه.... یک طرف حضرت علی، امام حسن و یک طرف امام حسین نشسته بودن. امام حسن لباس سبز و امام حسین لباس قرمز داشت؛ سبز به عنوان رمز زهر و قرمز به عنوان سمبل خون». ابتهاج در ادامه می‌گوید: «... هر جا چیزی درباره حضرت‌علی پیدا کردم خنودم. خیلی برام شخصیت جالبی بود تا حدی که اگر من می‌افتادم به این راستا جزو اینایی می‌شدم که حضرت علی رو خدا می‌دونن. این زمینه ذهنی تو خونه ما بود...! بعد از حضرت‌علی هم



به نظر می‌رسد **مسئیر نیما یوشیج** با نام واقعی علی اسفندیاری، جدا از دین و مذهب

باشد اما برخی شعرها و نوشته‌هایش حکایت از حب علی دارد: «صدبار شکست و بست و در هم پیوست/ تا نام علی مرا در آیینه بیست/ من بگسلم از تو با جفای تو لیک/ از مهر علی دلم نخواهد بگسست» و «از من می‌پرسند استالین انسان کبیر است یا حضرت‌علی (ع)». هزار و چند سال گذشته است که بشریت به حضرت‌علی (ع) افتخار می‌کند. از استالین چند سال گذشته است، احمق‌ها نمی‌دانند تاریخ هم مثل انسان جوانی و پیری دارد، بگذارد صد سال از استالین بگذرد.» و «وقتی هزار سال از کسی خوب گفته شد، هرگز آن آدم در یک سال و یک ساعت از بین نمی‌رود. علی (ع) انسان کبیر است بعد از هزار سال باید دید آن که انسان کبیر اسم گرفته‌است بعد از دویست سال چه خواهد شد.»



سیمین بهبهانی هم‌که به لحاظ فکری و سیاسی با دیدگاه رسمی درمدح حضرت‌علی دارد که برخی آیات آن به این شرح است: «صدف آسا جهان آفرینش/ درخشان گوهری والا گهر زاد/ ز بعد قرن‌ها گیتی هنر کرد/ که این‌سان قهرمانی با هنر زاد/ پدرا بعد ازین هرگز نبینند/ که مادر چون علی(ع) دیگر پسر زاد.»



بهرام بیضایی، نویسنده و کارگردان تئاتر و سینما هم که به‌دلیل عقبه خانوادگی و تفاوت‌های

اعتقادی، در دوره‌های مختلف دچار اختلاف و کشمکش با سازمان‌ها و بازوهای فرهنگی کشور شد. اتفاقاً دو اثر مهم درباره باورهای جهان اسلام دارد: شاخص‌ترین نمونه، شاهکار درخشان او درباره قیام عاشورا و حضرت امام حسین (ع) است، یعنی فیلمانه «روز واقعه» و دومی، نمایشنامه «مجلس ضربت‌زدن» درباره حضرت علی (ع) و ماجرای شهادت ایشان است که با وجود برخی تردیدها و مخالفت‌ها، نشان از حب و ارادت نویسنده به شخصیت والای امام اول شیعیان دارد. شخصیت نویسنده این نمایشنامه در شروع صحنه دهم از زبان حضرت علی (ع) درباره شهادتش، سوالاتی را مطرح می‌کند: «همیشه می‌پرسیدم کیست که خواهد زد، و کی خواهد زد، و از روبه‌رو خواهد زد یا پشت سر یا پهلو؟ همیشه می‌پرسیدم آیا تمام عمر خود را برای این صربه آماده کرده‌ام؟»

چهارشنبه ۶ مرداد ۱۴۰۰ • شماره ۵۹۹۷

فرهنگ

غدیر

یادداشت

بوسیدن روی سید

🔴 لباس‌های آراسته به

تن می‌کردند، در مقابل در اصلی مسجد روستا با هم قرار می‌گذاشتند؛ زن‌ها جدا و مردها جدا.

همه که از راه می‌رسیدند، مردها از یک طرف و زن‌ها از طرف دیگر روستا راهی می‌شدند. برای دید و بازدید به خانه سیدهای روستا می‌رفتند و معتقد بودند باید روی حداقل هفت سید یا سیده را بوسید.

گاهی پیش می‌آمد که دو دسته زنان و مردان روستا در قالب مهمان در خانه یکی از سادات تلاقی کنند و با هم از راه برسند اما هر چه بود، در روزگار پیش از ابزارهای ارتباطی مانند تلفن، برنامه‌ریزی‌ها معمولاً دقیق و نظام‌مند پیش می‌رفت. طوری‌که ظهر نشده، دیدو بازدیدها تمام شده بود و اهالی از خانه آخرین سید محله، دوباره به سمت مسجد باز می‌گشتند و همانجا نماز ظهر و عصرشان را به جماعت می‌خواندند. عصرها فرصت دید و بازدیدهای فامیلی بود و معاشرت نزدیکان و خانواده‌ها.

آن سوی ماجرای عید غدیر، سادات روستا بودند که از شب قبل برای پذیرایی آماده می‌شدند. صبح که می‌شد تا پشت در خانه راهم آب و جارو کرده بودند. در‌ها باز بود و میزبان منتظر. سماور قل می‌زد و پیش از رسیدن مهمان‌ها که خبرش را چند دقیقه زودتر بچه‌های روستا به صاحبخانه رسانده بودند، چای خشک در قوری ریخته می‌شد. تا رسیدن و نشستن مهمان‌ها، چای دم شده بود و آماده خوردن بود. به‌جز چای، شیرینی‌های محلی و آبنبات هم برای پذیرایی فراهم آمده بود و البته میوه‌هایی که صاحبخانه از باغ می‌چید. میزبان اگر تمکن بیشتری داشت، سفره می‌انداخت و برای مهمان‌ها نان تازه محلی، پنیر و کره و مربا هم می‌گذاشت اما معمولاً چای و شیرینی اصل ماجرا بود. برنامه دیدو بازدید شامل تبریک و بگو و بخند و احوالپرسی‌های معمول بود. گاهی خبرهای خوب مثل نامزدی جوان‌های روستا یا قصد سفر به اماکن متبرکه را اولین بار در همین دید و بازدیدهای عیدغدیر اعلام می‌کردند. در نهایت مهمانان فاتحه‌ای برای درگذشتگان خانواده میزبان می‌خواندند و به خانه سید بعدی محله می‌رفتند.

این رسم با همین ساختار کلی و اندکی تفاوت در بیشتر روستاهای بخش کوهستانی دیلمان یا مازندران اجرا می‌شد و هنوز هم پابرجاست اما نه این چنین نظام‌مند و ساماندهی شده. مثل هر اتفاق دیگری در دید و بازدیدهای عید غدیر هم اقدامات فردی جایگزین سنت‌های جمعی شده و حالا اگر قرار باشد اهالی روستا به دیدن یکی از سادات بروند، لابد قبل از هر چیز تماس می‌گیرند و بعد از هماهنگی به دیدنش می‌روند. شکل میزبانی هم تغییر کرده و تحت تاثیر سبک و سیاق مهمان‌نوازی در شهرها قرار گرفته‌است.

مزایده ۱۴۰۰۲۵



آذربایجان شرقی

معاونت آماد و پشتیبانی ناجا در نظر دارد،

تعداد ۷۵ دستگاه خودرو، تعداد ۶۰ دستگاه

موتورسیکلت و مقادیری اقلام فرسوده

فرماندهی انتظامی آذربایجان شرقی را به‌شرح

ذیل از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

متقاضیان می‌توانند به منظور بازدید و دریافت

برگ شرایط شرکت در مزایده از تاریخ درج آگهی

تا مورخ ۱۴۰۰/۰۵/۱۶ از ساعت ۸ الی ۱۶ به نشانی:

تبریز، اتوبان شهید کسایی، ستاد فرماندهی انتظامی

استان، معاونت آماد و پشتیبانی مراجعه فرمایند.

تلفن: ۲۱۸۲۱۴۹۵-۲۱۸۲۱۴۹۹-۰۴۱

ردیف	شرح	تعداد به دستگاه
۱	انواع سواری شامل: مگان، سمند، پژو ۲۰۶ ۴۰۵، رونیز، ماکسیم، سوژوکی ویتارا فولکس واگن و دلیکا	۶۱
۲	انواع وانت شامل: هایلوکس دوکابین پیکاپ تک و دوکابین و وانت نیشان ۲۴۰۰	۱۳
۳	کامیون بنز ۸۰۸	۱
۴	موتورسیکلت شامل: تکتاز ۱۵۰ اچ‌دی ۲۰۰، همتاز ۲۰۰، روان ۱۲۵ و ... (اورافی)	۶۰
۵	اقلام فرسوده مخبراتی غیر نظامی	موجودی

معاونت آماد و پشتیبانی ناجا

🔴 در ضمن هزینه چاپ آگهی بر عهده برندگان مناقسه می‌باشد.